

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۲۰

ریشه‌های حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی در شریعت اسلام

۴۳

دو فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

ریشه‌های حقوق شهروندی مذکور در قانون اساسی در شریعت اسلام
علی اصغر فرج پور اصل مرنندی و همکار

دکتر خیرالله پروین^۱

علی اصغر فرج پور اصل مرنندی^{۲*}

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، تهران، تهران، ایران.

۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، تهران، ایران.

چکیده

حقوق‌های بشری، حق‌های بنیادینی هستند که برای همگان محفوظ است. این حقوق مقوم ذات انسانی‌اند و غیرقابل سلب می‌باشند. اما حقوق شهروندی متفاوت از حقوق بشر، ناظر به حقوقی هستند که افراد جامعه، بخاطر وفاداری به سعادت جمعی شهروندان که در قالب حمایت از حاکمیتی مشروع می‌باشد، از آن‌ها بهره می‌برند و مبتنی بر تضییق و توسعه حق‌های بشری می‌باشند. طبق این تعریف پذیرفته شده، هر نظام حقوقی با توجه به شرایط اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دینی، اقلیمی و محیطی و سایر عوامل، حق‌های شهروندی را احصا کرده و قواعد نظام حقوق شهروندی مخصوص به خود را خواهد داشت. نظام‌های حقوق شهروندی را می‌توان با دو دسته؛ ابزارات و شاخص‌های ملی و بین‌المللی مورد سنجش و ارزیابی قرار داد. مسئله اصلی این است که آیا حقوق شهروندی با این دو دسته سازگاری دارد و یا خیر. ابزارات ملی شامل منابع حقوق اساسی و شاخص بین‌المللی، همانا نظام بین الملل حقوق بشر می‌باشد. نظام حقوق شهروندی ایرانی نیز از این امر مستثنا نیست. فلذا در این پژوهش با اتخاذ روش توصیفی و تحلیلی سعی بر آن شده‌است که سازگاری و مشروعیت حقوق شهروندی مبتنی بر آزادی‌های حقوق نسل اول با بایسته‌های مردم سالاری دینی ایران و مهمترین منابع اختصاصی حقوق اساسی ایران که همانا قرآن و روایات می‌باشد، سنجیده شود تا مشخص گردد که حق‌های شهروندی ایرانی همچون دیگر نظام‌های داخلی در یک نسبیّت فرهنگی هم‌سو با ارزش‌های اسلامی خود می‌باشد تا نشان دهد در بخش تفاوت‌های شهروندی، هیچ دیده‌بان حقوق بشری و ناظر بین‌الملل نمی‌تواند معترض این نسبیّت باشد.

واژگان کلیدی: شریعت اسلامی، حقوق بشر، حقوق شهروندی، قانون اساسی.

Email: farajpour87@gmail.com

* ایمیل نویسنده:

مقدمه

حقوق انسانی که در ادبیات معاصر، از آن به حقوق بشر تعبیر می‌کنیم، حقوقی هستند که افراد به مثابه موجود زیستی^۱ و به عنوان انسان بودن، آن‌ها را دارا هستند. این حقوق، مطلق^۲ و بر اساس نظریات مکتب حقوق طبیعی و نظریات مکاتب حقوق فطری در وجود انسان پیشا اجتماع نهادینه شده است. ولی انسان‌ها پس از قرارداد اجتماعی و بر مبنای مدنی بالطبع بودن مبادرت به تشکیل اجتماع و برپایی دولت زدند. در این راستا، تزامم حقوق و لزوم نظم عمومی، اخلاق حسنه و تضمین حقوق و آزادی‌های اشخاص ثالث باعث تقیید حقوق بشر می‌شود. این سازوکار حقوقی یعنی تقیید حق‌ها با استناد به نظم عمومی و سایر موارد مذکور، در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی^۳ حقوق بشر نیز پیش‌بینی شده است. این توسعه و توضیح حق‌های بشری، موجب پیدایش حقوق شهروندی می‌گردد. بدین ترتیب، حقوق شهروندی ناظر به حقوقی است که بسته به نوع و ساختار حاکمیت، افراد به واسطه پذیرش پوشش اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی و علمی و سایر معاییر مشروع و پسندیده عقل جمعی از آن‌ها برخوردار می‌گردند. با تفاوت این مؤلفه‌ها، حقوق شهروندی نیز متفاوت و از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت و نهایتاً نسبی^۴ می‌گردد. فلذا، در قوانین اساسی برخلاف اسناد بین‌المللی، از حقوق ملت^۵ و نه حقوق مردم^۶ بحث می‌کنیم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز فصل سوم قانون اساسی به بحث حقوق ملت پرداخته است.

سوال اصلی نوشتار عبارت است از اینکه همان‌گونه که نظام‌های حقوق شهروندی کشورها بایستی با دو دسته ابزارات و شاخص‌های ملی و بین‌المللی سازگار باشد، آیا این امر در نظام حقوقی ایران نیز مراعات شده است و یا خیر؟ رسالت این نوشتار فقط به سنجش و ارزیابی حق‌های شهروندی با منابع داخلی حقوق اساسی محدود شده است و ارزیابی حق‌های مزبور با سایر منابع را به پژوهش دیگر واگذار شده است. همچنین، در میان منابع داخلی حقوق اساسی به منابع اختصاصی اکتفا کرده‌ایم که با توجه به جایگاه آن‌ها در سلسله مراتب قانونی، مهم‌ترین منابع حقوق اساسی ایران محسوب می‌شوند. در خصوص لزوم تفسیر و تبعیت اصول قانون اساسی از جمله فصل سوم قانون اساسی یعنی حقوق ملت نیز از شریعت مقدس باید بیان داشت که حکومت اصل چهارم بر اطلاق و عموم سایر اصول قانون اساسی از نوع حکومت اصول لفظیه^۷ می‌باشد. واژه حکومت به معنای اصل حکومت دلیلی بر دلیل ثانویه است که اولین بار ایده‌ی آن را شیخ انصاری طرح کرده است. اصل حکومت بیان می‌دارد که دلیل ثانویه بوسیله‌ی دلیل

اولیه نه تقیید و نه تخصیص بلکه دلیل ثانویه به وسیله‌ی دلیل اولیه تفسیر می‌شود و توسعه و تزییق معنایی پیدا می‌کند. (مظفر، ۱۳۷۵ق، ج ۲: ۲۱۹) در قانون اساسی نیز تمام اصول بخش حقوق ملت و سایر اصول تحت سیطره و حکومت لفظیه اصل چهار تفسیر می‌شوند یعنی، آزادی‌های مزبور در چارچوب قوانین اسلامی و شرعی به رسمیت شناخته شده است و در این مقام، گفتمان اصل چهارم و حکومت این اصل در تطبیق و تفسیر سایر اصول به کار گرفته می‌شود.

در نوشتار حاضر، ابتدا با بررسی حقوق بشر و حقوق شهروندی در مقام نظر به تفکیک آن دو می‌پردازیم. و سپس در مقام عمل، در پی سنجش مؤلفه‌ها و مبانی حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با مبانی تفکر اسلامی خواهیم بود. مشخص است که روح کلی ناظر بر اصول حقوق ملت در مقدمه قانون اساسی آمده است و از طرفی، اصول کلی در فصل اول قانون اساسی و سایر مبانی تفکری حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، حاکی از اسلامی بودن، دینی بودن، مذهبی بودن (شیعی بودن) و اعتلای اصل حکومت (به معنای حکومت در اصول لفظیه و گفتمان مطرح در اصول فقه شیخ انصاری) قوانین اسلام مندرج در اصل ۴ بر اطلاق و عموم سایر اصول می‌باشد. فلذا، در این نوشتار، سعی بر آن شده است که معاییر و ملاکات حقوق ملت با مستندات اسلامی سنجیده شود

۱- مبانی نظری و چارچوب مفهومی

در این فصل، با توجه به معیارهای پذیرفته شده در نظام حقوق بشر، به تعریف مفاهیم اساسی و بنیادین شهروندی و حقوق شهروندی خواهیم پرداخت. تا براساس تفکیک آن دو به سنجش مشروعیت مبانی حق‌های شهروندی مندرج در قانون اساسی با تعالیم اسلامی بپردازیم.

۱-۱. تعریف شهروند

شهروند (citoyen) از شهر (cite) می‌آید و سیته از واژه لاتینی سیویتاس (civitas) مشتق شده است. شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود. در امپراطوری روم، برای اولین بار با تفکیک دو دسته از حق‌های بشر و شهروندی به معنای امروزی برمی‌خوریم و اسناد حقوق بشری که در عصر رنسانس و عصر روشنگری نوشته شده که بر اساس آن‌ها حقوق بشر مدرن نیز شکل گرفته است، همه ملهم از نظام حق‌های روم باستان است. "Jus gentium" به معنای حقوق مردمان^۱ معادل حقوق بشر عصر حاضر می‌باشد و "Jus

"civilium" به معنای حقوق متمدنین به حقوق شهروندی اشاره دارد. در روم نیز همانند آن کلیه ساکنان، خصلت شهروندی نداشتند. آن کسی شهروند به شمار می‌آید که شرایط لازم را برای مشارکت در اداره امور عمومی در چارچوب شهر، داراست. در زبان فرانسه غالباً شهروند در نقطه مقابل رعیت به کار می‌رود. شهروند، به شکلی از اشکال در تدارک و تنظیم قانون شرکت می‌جوید و حال آنکه رعیت فقط از قانون اطاعت می‌کند و آن را تحمل می‌نماید. (پللو، ۱۳۷۰: ۱) از منظر ارسطو شهروندان کسانی هستند که شریک در قدرت‌اند. شهروند کسی است که مشارکت فعال در قدرت شورایی و قضایی را داشته باشد. (گای، ۱۳۸۸: ۵۴) به طور کلی آنچه که انسان پیشاجتماع را از بدوی بودن جدا کرده و انسان را به عنوان موجود اجتماعی و انسان پسا اجتماع معرفی می‌کند، پوشش شهروندی نامیده می‌شود. در این حالت است که انسان با قرارداد اجتماعی، به جامعه ورود پیدا می‌کند و بدو شهروند نامیده می‌شود و این حداقل بهره از شهروندیت^۹ (شهروندی) است.

در باب دیرینه‌شناسی و تاریخچه حقوق شهروندی، فرمان کوروش (۵۵۹-۵۲۹ پیش از میلاد) به عنوان نخستین اعلامیه حقوق بشر در تاریخ به شمار می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۶۶۴-۶۵۸). حقوق بشر به معنای مصطلح امروزی و همچنین تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی، نخستین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه در ۱۷۸۹ رسماً اعلام شد. در دنباله این جریان فکری، سیاسی بسیاری از کشورها به تأسی از این سنت در قوانین اساسی خود، فصلی را به اعلام حقوق ملت در برابر دولت اختصاص دادند. (مؤتمنی طباطبائی، ۱۳۸۰: ۱۹۲) واژه و مفهوم شهروند با پیدایش فکر «ملت» و اصل «حاکمیت ملی» مطرح شد و اصطلاح حقوق شهروندی در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ قرار گرفت. در این راستا حتی اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ نیز در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است. (پللو، ۱۳۷۰: ۲۳)

۱-۲. مفهوم حقوق شهروندی

حقوق شهروندی در یک تعریف بی‌آلایش، مجموعه حقوقی است که قانون اساسی و قوانین مدون و موضوعه برای شهروندان ایرانی مطرح و مشخص کرده‌است. تعریف مختاری که بیان‌گر مفهوم حقوق شهروندی به تمامه باشد و در آن شهروندیت، که به رابطه بین شخص و حکومت اطلاق می‌شود به نحوی که شخص بواسطه اثبات وفاداری خود

را نسبت به حکومت، متقابلاً مستحق حمایت حکومت می‌باشد، لحاظ گردیده‌است.^{۱۰} (Britannica, ۲۰۱۳) باید بدین صورت، بیان داشت: «در حقوق شهروندی انسان به مثابه شهروند باید از حقوقی سخن گفت که ناظر به این زاینده شدن در جامعه و در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام عقل جمعی و عمومی است و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی اکنون محور ترسیم حقوق شهروندان و متعهد به محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها است». (جاوید، ۱۳۸۸: ۳۱) از نگاه مکاتب حقوق تحقیقی نیز به نظر می‌رسد که حقوق شهروندی را، حقوق ناشی از قانون اساسی هر کشوری است که بر اثر رابطه شهروندی یا اقامت افراد در کشور خاصی به آنها اعطا شده و مورد حمایت قانون اساسی قرار گرفته‌است، دانست. (آفنداک، ۱۳۸۵: ۴۹) البته این تعریف برخلاف تعاریف فوق، تکنیکال و در دایره‌ی حقوق موضوعه و تحقیقی قرار می‌گیرد.

معیارهای اصلی و فرعی در تفکیک حقوق بشر و شهروندی وجود دارد. مهم‌ترین معیار عبارتست از اصل وفاداری به سعادت جمعی در قالب حمایت از حکومتی که تحقق حقوق پایه و اساسی همه شهروندان را وظیفه خود می‌داند. اصل مهم دیگر نیز که در جامعه‌شناسی حقوق از آن بحث می‌شود، اصل کار مثبت می‌باشد که بر حسب نظریه تقسیم کار^{۱۱} در روابط اجتماعی و تعامل متقابل در روابط انسانی و در فضای زیست جمعی، به ما و علی‌الخصوص برای حاکمیت امکان‌گزینش شهروندان فعال را فراهم می‌کند و به تبع آن برای آنها حقوق و امتیازات شهروندی اختصاص می‌دهد. (جاوید، ۱۳۸۸: ۳۲۸)

معیارهای فرعی که ناظر به جمهوری اسلامی ایران می‌باشد به صورت کلی، در کنار و یا از انعکاس دو اصل مادر و بنیادین فوق نیز مطرح می‌شوند. معیارهایی همچون تابعیت، مذهب و عقیده، همدلی و علقه سیاسی، داشتن هدف خدمت‌رسانی و تحقق منافع و مصالح عمومی، دفاع از ناموس وطن، ولایت‌پذیری و التزام به مفاد قانون اساسی و ارزش‌های دینی و ملی، مشارکت در جهاد فرهنگی، مبادرت به برنامه‌های فرهنگی در جهت اعتلای فرهنگ جامعه و بسیاری از معیار دیگر که یک شهروند با انجام آن در راستای کمک به حاکمیت در جهت سعادت و خوشبختی جامعه در دو بعد دنیوی و اخروی آن می‌کوشد و به نسبت آن، حق‌ها و امتیازاتی را از حکومت دریافت می‌کند. معیارهای مزبور، معیارهایی هستند که برای احراز حق‌هایی شهروندی مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی در باب حق‌های بشری، مبنای اسلامی آن کرامت می‌باشد. خداوند کرامت و شرافت را در سرشت انسان قرار داده است. این است که انسان اگر خود را آنچنان که

هست بیابد، کرامت و عزت را می‌یابد. (مطهری، ۱۳۶۳: ۲۳۰) از اینرو برخی اندیشمندان مسلمان نیز قائلند که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به طور محترمانه زندگی کند. کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش، حیثیت او را با خطر مواجه سازد. حکومت باید به گونه‌ای عمل کند که موجب بی حرمتی شخص مجرم نگردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۲۹۰) به عبارت دیگر، کرامت انسان ودیعه الهی است که به عنوان یک اصل باید مورد توجه همگان، اعم از افراد و دولت‌ها قرار بگیرد. در ضمن، می‌توان به ضابطه‌مندی آزادی در شریعت اسلامی اشاره نمود: هنگامی که انسان به حد بلوغ و رشد میرسد، آزادی او را شرع در نظام قانونگذاری خود، محدودتر می‌سازد و او را موجودی مسؤول می‌شناسد و بر عهده او، بایدها و نبایدها مینهد. در قرآن آمده است: هیچ مرد و زن مؤمنی، حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش، به کاری فرمان دهند، برای آنان، در آن، اختیاری باشد و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری شده است.^{۱۱} (ظہیری، ۱۳۷۹: ۱۷)

۲. حقوق شهروندی مبتنی بر حقوق نسل اول و تعالیم اسلامی

منظور از نسل اول حقوق بشر^{۱۲} این است که با تکیه بر اصالت فرد انسانی منادی حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی می‌باشد. این دسته از حقوق از فلسفه حقوق طبیعی لاک، روسو و دیگران بر آمده است و به طور سنتی مورد حمایت دولت‌های غربی با رویکرد مکتب لیبرالیسم بوده است. (harris, ۲۰۰۴: ۶۵۵). نسل اول حقوق بشر ضامن امنیت و آزادی انسان در مقابل قدرت عمومی و دیگر افراد است. حق‌هایی از قبیل آزادی‌های مذهبی، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی اجتماعات و تشکله‌ها و همچنین حقوق و آزادی‌های سیاسی و انتخاب حاکمان از طریق انتخابات آزاد از جمله حقوق نسل اول به شمار می‌آید. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۶۶) تکلیف دولت‌ها به عنوان لازمه چنین حق-ادعاهایی صرفاً به عدم مداخله در آزادی‌های فردی خلاصه نمی‌شود، بلکه تضمین حمایتی از آنها در این زمینه از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. در مقابل حقوق نسل اول، حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به عنوان حق‌های متعلق به نسل دوم حقوق بشر^{۱۴} طبقه‌بندی می‌شوند. در مورد این دسته از حق‌ها، دولت‌ها متعهد به نتیجه و مداخله حمایتی می‌باشند. (قاری، ۱۳۸۲: ۳۷-۴۱)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصولی را می‌توان یافت که به طور صریح یا ضمنی به حقوق شهروندان ارتباط می‌یابد. فصل سوم که شامل اصول نوزدهم تا چهل

و دوم به «حقوق ملت» اختصاص یافته است. رابطه‌ی حقوق شهروندی ایرانی و تعالیم اسلام در حقوق داخلی را بایستی در رابطه‌ی مبانی و منابع حقوق جستجو کرد. باید افزود که مرحله نخست در تدوین قوانین حقوقی این است که بر اساس جهان‌بینی اسلامی «منابع» حقوقی به درستی شناخته شود؛ آنگاه «مبانی» حقوقی را از آن منابع استخراج کرد؛ و سپس از آن مبانی به «مواد» حقوقی دست یافت. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۲۹)

بعضی منابع بسیار معتبر، خاص حقوق اساسی ایران می‌باشد که در اندیشه اسلامی ریشه دارد و به آن حقوق، جنبه‌ی الهی و مشروعیت می‌دهد. حقوق اساسی ما در رأس همه منابع فقهی یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع را دارد. یعنی همان منبع اصلی فقه که از جمله منابع خاص آن قرآن و سنت است. (مدنی، ۱۳۷۳: ۲۲) لذا در بررسی مبانی حقوق شهروندی و هر موضوع دیگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید به منابع اسلامی مراجعه نمود. منابع فقهی، مبنای تدوین اکثر منابع حقوق اساسی ایران به شمار می‌آید و منابع دیگر نیز بر اساس این منبع تنظیم یا تطبیق می‌گردد. و این مفهوم صراحتاً در اصل چهارم قانون اساسی ذکر شده است.

۱-۲. مفهوم آزادی در نظام بین‌الملل حقوق بشر و اسلام

تعاریف زیادی از آزادی، از جانب حقوق‌دانان مطرح شده است. در یک تعریف ساده مبتنی بر اصل نفی ضرر و اصل عدم سوء استفاده از حق گفته شده است که: «آزادی عبارت است از اینکه شخص اختیار انجام دادن هر کاری را داشته باشد، مشروطه به اینکه ضرر به دیگری نرساند. این شرط آزادی هر کس را در مقابل دیگری محدود می‌سازد و مبین حدود آزادی اشخاص است». (مدنی، ۱۳۷۳: ۷۶) در یک تقسیم بندی از آزادی، برلین از دو مفهوم منفی و مثبت آزادی یاد می‌کند. آزادی منفی در حوزه حقوق مدنی-سیاسی به معنای نبود و فقدان ممنوعیت‌هاست. اگر این ممنوعیت از حد معینی بگذرد، به تصریح برلین در نهایت سر از سلب کامل آزادی در می‌آورد. به باور برلین، آزادی سیاسی در این معنای منفی، قلمرویی است که در داخل آن شخص می‌تواند کاری را که می‌خواهد، انجام دهد و دیگران نتوانند مانع او شوند. (برلین، ۱۳۶۸: ۲۳۶)

اما آزادی در اسلام، از اطاعت و تعهد انسان در برابر خدا و از تسلیم در برابر فرامین شریعت، جدا نیست و به همین دلیل، مبتنی بر یک جهان‌بینی و دید توحیدی عمیق می‌باشد. (عمید زنجانی، بی تا: ۲۴۱) بنابراین آزادی انسان در منطق اسلام همواره با مسئولیت او در برابر خدا همراه است، چنانکه در بند ۶ اصل دو قانون اساسی، «ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت» از پایه‌های نظام معرفی شده است.

(شریعی، ۱۳۸۴: ۱۲۳)

باید در کنار طرح اصل آزادی به این نکته اشاره نمود که آزادی در هیچ مکتب و جغرافیایی نامحدود نیست. طبق ماده ۲۹^{۱۵} اعلامیه جهانی حقوق بشر، استفاده از آزادی‌ها محدود به مراعات حقوق دیگران و مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی است که چارچوب و ضوابط آن را قانون تعیین میکند. البته از مفهومی همچون نظم عمومی نمی‌توان تعریف دقیقی به دست داد و نیز نمی‌توان موارد آن را احصا کرد. فقط می‌توان گفت که مفهوم نظم عمومی مبتنی بر ایده کلی برتری اجتماع نسبت به فرد و تفوق منافع عمومی نسبت به منافع خصوصی است. (صفایی، ۱۳۹۰: ۵۸.۵۱) در اسلام نیز حدود آزادیها که به موجب قانون مشخص شده مبتنی بر همین ملاحظات است. شرع مقدس چارچوب‌های آزادی را مقید نموده است. بر همین اساس، آیات متعدد قرآن کریم ذکر شده: «و کسانی که از حدود الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند.»^{۱۶} (بقره/۲۲۹) «و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند، آنان خود ستمگرانند.» (مائده/۴۵)^{۱۷} اصل چهارم قانون اساسی به محدودیت قوای حاکمه به چارچوب شرعی اشاره دارد. (مجموعه اساسی، ۱۳۸۱: ۱۹)

برای مطالعه بر روی سند مادر یعنی قانون اساسی بایستی به انواع "آزادی‌های مبتنی بر نسل اول" در شش محور: آزادی تن، آزادی وجدان و عقیده، آزادی بیان و مطبوعات، آزادی انتخاب شغل و آزادی تحزب و تشکل و آزادی اجتماعات در نظام داخلی و مبنای آن اشاره نمود:

۲-۲. آزادی تن

آزادی‌های تن یا آزادی‌های شخصی به اعتبار جسم انسان و اعمال فردی و زندگی خصوصی وی به موجب قانون شناخته شده است مانند حق حیات، امنیت شخصی (آزادی فردی) و آزادی رفت و آمد. (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۷۰: ۸۹) آزادی تن وضع و موقعیتی است که اجبار افراد و جامعه و هر نیروی خارج از اراده شخص به حداقل ممکن کاهش یابد. به عبارت دیگر حالتی است که انسان تابع تصمیم یکطرفه و مستبدانه دیگری نباشد و در هر مورد بنابر تصمیم خود اقدام کند. نتیجه این آزادی لغو بردگی، منع توقیف و حبس و تبعید بدون مجوز می‌باشد. (مدنی، ۱۳۷۳: ۷۶) بند ۴ اصل ۴۳ نیز به ممنوعیت بهره‌کشی از دیگران اشاره دارد. امام علی (ع) در بیان این حق می‌فرماید: «خود را برده دیگران مساز در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است»^{۱۸}. (حرانی، ۱۳۶۳: ۷۷) و همچنین در جای دیگری فرموده است: «تمام مردم آزاد آفریده شده‌اند، مگر کسانی که از

روز اختیار، بردگی را برای خود پذیرفته‌اند»^{۱۹}. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶: ۱۹۵) با نگاهی به این دو عبارت کوتاه می‌بینیم که امیرالمؤمنین (ع) در عین آنکه به آزادی شخصی تمام افراد بشر تصریح می‌کند، این نکته را نیز یادآوری می‌کند که بردگی فردی و اجتماعی افراد و ذلت و ظلم‌پذیری آنها مربوط به خودشان است. به نظر صاحب‌نظران در حوزه حقوق بشر اسلامی نیز، از مجموع احکام و برخوردهای اسلام نسبت به مسأله‌ی برده‌داری، چنین استنباط می‌شود که اسلام به مبارزه با پدیده برده‌داری برخاسته است تا در فرصت مناسب آن را ریشه‌کن کند. (منتظری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۶)

۲-۳. آزادی وجدان و عقیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اعتقادات مکتب اسلام تنظیم گردیده است و انسانها مختارند که بر اساس اختیار، دین و عقیده صحیح را بپذیرند. بر این اساس اصل بیست‌وسوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» در اسلام نیز، اگر چه تفکر و تحقیق و سپس ایمان بر اساس تفکر، ارزشمند است، ولی باید دقت نمود که هر اندیشه‌ای مورد احترام نیست. به عبارت دیگر چنانچه حاصل عملی و بیرونی تفکر شخص، اندیشه‌ای شرک‌آلود و کفرآمیز می‌باشد، چنین عقیده‌ای مورد احترام نخواهد بود. اساساً قانونگذار تفتیش عقیده را ممنوع دانسته، و تا آنجا که شخص عقیده‌های باطل در درون خویش داشته باشد، ولی اقدام به تظاهر یا تبلیغ و یا القا آن به سایرین ننماید، کنکاش ذهن او جایز نیست. ولی در عین حال نشر افکار و عقائد باطل و جذب اذهان خام و ساده در صید ضلالت و گمراهی مجاز نیست. بدیهی است مجادلات و مباحثات علمی نیز در فضای مناسب و فیما بین افراد هم سطح از لحاظ دانش مفهوم دارد و الاً طرح مطالب ناصواب برای اشخاص کم دانش و یا بی اطلاع به معنای مباحثه‌ی علمی نخواهد بود. (محسنی، ۱۳۸۸: ۴۵۴)

در مقوله ارتداد، موضوعات ملحدانه و ابراز و اظهار آن، نوعی برافراشتن پرچم مبارزه عملی با اسلام و جامعه مسلمین، اخلال در نظم و آرامش اعتقادی و معنوی جامعه و جوسازی جهت گسترش کفر و زمینه سازی برای تضعیف مسلمین و وهن جامعه اسلامی است. بخاطر اینکه ارتداد یکی از خطرناک ترین حربه‌ها علیه بزرگترین هدف خلقت که همان عبادت و تقرب به خداوند است، می‌باشد فلذا مجازات اعدام برای ارتداد پیش بینی شده است. چرا که مرتد با اظهار ارتداد خود، در ثبات اعتقاد جامعه و اصل توحید، خدشه می‌نماید. بنابراین ارتداد از اسلام تا زمانی که به مرحله ابراز بیرونی نرسیده‌است،

موجب وجوب اعدام نسبت به مرتد نمی‌شود و اگر شخصی از مسلمین به هر نحوی از این ارتداد مطلع گردد، اعدام شخص مرتد بر او واجب نیست. (دشتی، ۱۳۹۰: ۷۹) در ارتداد، این جایجایی عقیده، در اذهان عمومی نوعی تزلزل آشوب‌آفرین اجتماعی به جای می‌گذارد. این حساسیت وقتی بیشتر می‌شود که نظام اسلامی بر جامعه حاکم باشد. زیرا ممکن است رابطه مردم با حکومت را دچار نوعی اختلال نماید که در این صورت، ارتداد و تأثیرات اجتماعی آن مواجه با نظم عمومی می‌شود. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۳۳۹) در این مرحله هست که نظام حقوق شهروندی کشورهای مسلمان، مجازات اعدام برای ارتداد را موجه نشان می‌دهد.

۲-۴. آزادی انتخاب شغل

دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. قانون اساسی نیز، این حق را برای همگان به رسمیت شناخته‌است. اصل ۲۸ قانون اساسی با کلمه «هرکس» که بدون تبعیض و تفاوت بر اساس جنس و مذهب و قومیت، هر فرد ایرانی را شامل می‌شود، مقرر می‌دارد: «هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل، ایجاد نماید». (مهرپور، ۱۳۸۷: ۷۰)

اسلام نیز منبع مشروع درآمد را صرف تمایلات مردم نمی‌شمارد، بلکه علاوه بر زمینه‌ی تمایلات و مطلوبیت، موافقت با مصلحت را نیز شرط می‌داند. به عبارت دیگر، اسلام وجود تقاضا را برای مشروعیت عرضه کافی نمی‌داند. از این رو در اسلام پاره‌های از کارها «مکاسب محرّمه» خوانده شده‌است. (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۴۶) مکاسب محرّمه شامل شغل‌های متفاوتی می‌شود؛ مکاسبی که باعث ایجاد فریب مردم است. مثل: بت فروشی، صلیب فروشی، تدلیس ماشطه و هم چنین شغلی که مستوجب نگهداری، حفظ و فروش کتاب‌های ضاله و گمراه کننده‌است یا مکاسبی که موجب تقویت دشمن بشود مثل فروختن سلاح به دشمنان دین که در حال جنگ و یا در حال آماده شدن برای جنگ با مسلمانان هستند. (شهید ثانی، ۱۳۹۱: ۲۷) در تعالیم اسلامی نیز در اشتغال تنها ملاک، امانت و کاردانی خواهد بود، چنانکه امیر المومنین (ع) فرمود: «در به‌کار گیری و استخدام عاملان و مسئولین هیچ معیاری غیر از کاردانی و تخصص و امانت داری را نپذیر». ۲۰ (عمید زنجانی، بی تا: ۲۴۴) بنابراین از دید حقوق بشر، همگان از حق بر شغل بصورت

مساوی بهره مندند و در نظام حقوق شهروندی، تضییقات از جنس موارد مذکور و توسعه‌های از جنس آنچه در حدیث مزبور آمده است، وجود دارد.

۲-۵. آزادی بیان

در منطق قرآن کریم، آزاداندیشی بصورت یک ارزش مطرح است. لذا، خداوند متعال، در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: «بندگان خاص مرا بشارت ده. آنها که سخنان را می‌شنوند، و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند. آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندان و صاحبان عقلمند»^{۲۱}.

این دو آیه که آزاداندیشی مسلمانان و انتخابگری آنها را در مسائل مختلف بخوبی نشان می‌دهد. مسلمانان به سخنان این و آن بدون در نظر گرفتن گوینده و خصوصیات دیگر گوش فرا می‌دهند و با نیروی عقل و خرد بهترین آنها را بر می‌گزینند. بسیاری از ادیان، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند، چرا که بر اثر ضعف منطق که به آن گرفتارند از این می‌ترسند منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد، اما به طوری که در آیات فوق خواندیم اسلام در این قسمت سیاست "دروازه‌های باز" را به اجرا درآورده است. اسلام به کسانی بشارت می‌دهد که گفتارها را می‌شنوند و خوبترین آنها را برمی‌گزینند. اصولاً مکتبی که دارای منطق نیرومندی است دلیلی ندارد که از گفته‌های دیگران وحشت داشته‌باشد، و از طرح مسائل آنها هراس به خود راه دهد، آنها باید بترسند که ضعیفند و بی منطق‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۴۱۷)

ولی باید دانست که این آزادی بیان مطلق و بدون ضابطه نیست و محدودیت‌هایی چون توهین به مقدسات را دارد. این محدودیت‌ها، بر اساس سازوکارهای حقوق شهروندی موجه است. چرا که حقوق شهروندی نسبی است و با ارزش‌های اجتماعی فرهنگی هر جامعه متفاوت می‌گردد. در همه مکاتب بشری و ادیان الهی برای آزادی بیان، حریم و چارچوبی وجود دارد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۲۴۲^{۲۲}، اصل بر آزادی مطبوعات قرار داده شده‌است و استثنائاً دو شرط به عنوان محدوده‌های آن مد نظر قرار گرفته‌است. یکی اینکه مطالب منتشر شده مغایر موازین و مبانی اسلامی نباشند. و دیگر اینکه نباید با حقوق عمومی که در واقع نظم عمومی و امنیت جامعه و اخلاق حسنه است مغایر باشد. (مهرپور، ۱۳۸۷: ۵۹) بنابراین مطابق قانون اساسی ایران، مطبوعات می‌تواند در چارچوب رعایت حدود و ارزش‌های اسلامی و رعایت مصالح عمومی مردم، به نقد حاکمان و سیاست‌های ایشان و پیشنهاد برای اصلاح امور جامعه بپردازند. (دستی، ۱۳۹۰: ۹۱)

اما باید به استثنائات وارده بر آزادی مطبوعات نیز اشاره نمود، که ماده ۳۰ قانون مطبوعات چنین بیان می‌دارد: «انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظائر آن به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد.»

بر اساس قانون مجازات اسلامی نیز اهانت به اشخاص اعم از شخص حقیقی یا حقوقی مورد رسیدگی و صدور حکم قرار می‌گیرد. و از نظر مقررات مبرهن است که هرگونه به کارگیری صریح یا ضمنی الفاظ باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که به لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص، موجب تحقیر و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ، توهین تلقی می‌گردد. (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) در اصل ۱۷۵ سازمان صدا و سیما به عنوان تأمین کننده این حق است، آمده است: "در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد..."

از جمله اصول حقوق شهروندی اسلامی در باب آزادی بیان، ممنوعیت توهین به مقدسات در آیه ۱۰۸ سوره مبارکه انعام مشخص می‌باشد: "وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ" در این آیه، به مسلمانان دستور داده می‌شود که به خدایان مشرکین ناسزا نگویند. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد که آیه با بیان اصل ممنوعیت توهین خاطر نشان می‌سازد که با رعایت آن، احترام مقدسات جامعه دینی محفوظ مانده و دستخوش اهانت و ناسزا و یا سخریه نمی‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۴۳۵)

در روایات نیز منطلق قرآن در باره ترک دشنام به گمراهان و منحرفان، تعقیب شده است. در نهج البلاغه می‌خوانیم که علی (ع) به جمعی از یارانش که پیروان معاویه را در ایام جنگ صفین دشنام می‌دادند می‌فرماید: "من خوش ندارم که شما فحاش باشید، اگر شما به جای دشنام، اعمال آنها را برشمردید و حالات آنها را متذکر شوید به حق و راستی نزدیکتر است و برای اتمام حجت بهتر." (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۳۹۶)

بر همین اساس در قوانینی چون ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، توهین به مقدسات اسلامی ممنوع اعلام شده است. حمایت مقنن از پیروان ادیان دیگر نیز به دو مورد محدود شده است: اول، حمایت از پیامبر آنان، البته به شرط آن که آن پیامبر از دیدگاه اسلامی نیز جزء پیامبران الهی محسوب گردد، و دوم، از آن دسته مقدسات آنها که جزء مقدسات اسلامی محسوب می‌شوند. (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۱۸۰)

۲-۶. آزادی حزب و تشکل

یکی از مظاهر و مصادیق بارز دموکراسی، شناختن حق آزادی افراد در تشکیل و سامان دادن گروه‌های هم‌فکر و هم‌سلیقه است که با توافق بر یک سلسله اصول و ضوابط و تعریف اهداف مشخص سیاسی و اجتماعی و روش‌های خاص فعالیت دسته جمعی، به صورت مرامنامه یا اساسنامه برای در دست گرفتن قدرت و مشارکت در حکومت و یا رسیدن به اهداف خاص اجتماعی و اقتصادی، فعالیت می‌کنند. (مهرپور، ۱۳۸۷: ۶۴).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی تشکل به صورت گسترده به رسمیت شناخته شده است. مطابق اصل ۲۶ تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده با چند شرط آزاد گذاشته است. چنانچه اجتماعات مستمر باشد و برای جذب افراد و احقاق حقوق فعالیت کند، باید دارای اساسنامه و مرامنامه باشند و شرط تشکیل آنها، نقض نکردن آزادی، استقلال، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی ایران است. (سراجی، ۱۳۸۸: ۱۸).

از نظر اسلامی، اگر فعالیت احزاب و انجمن‌ها ابزاری برای اصلاح مسیر ملت و دولت و بهبود سیاست‌ها و سامان‌بخشی به روابط بخش‌های مختلف جامعه و رشد همبستگی حاکمان و مردم باشد، در قالب امر به معروف و نهی از منکر می‌گنجد و مشمول آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌شود که می‌فرماید: «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف کنند و آنها همان رستگارانند».^{۲۳} اما اگر احزاب و جمعیت‌ها فقط محملی برای ایجاد تفرقه و از بین بردن یکپارچگی جامعه و بستری برای فزون خواهی ارباب قدرت و ثروت باشند، به مقتضای آیه ۱۰۵ سوره آل عمران که می‌فرماید: «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند؛ پس از آنکه نشانه‌های روشن پروردگار به آنان رسید»^{۲۴} نه تنها مورد تأیید نیست، بلکه امری تفرقه آور و مورد نهی معرفی شده است. (دشتی، ۱۳۹۰: ۹۶)

۲-۷. آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها و تظاهرات

در فقه سیاسی اسلام هر یک از افراد مسلمان در برابر یکدیگر و نیز در برابر جامعه و حکومت مسئول و پاسخگو هستند. مسئولیت همگانی علاوه بر اینکه با ادله‌ای مانند امر به معروف و نهی از منکر اثبات می‌شود، روایات خاصی نیز دال بر آن است، که معروف ترین آنها حدیث نبوی ذیل است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: همه شما نگهبان حقوق مردم هستید، همه شما در مقابل رعیت و شهروندان مسئول و پاسخگو هستید.^{۲۵}

(قدردان قراملکی، ۱۳۸۲:۲۳۹) شهید مطهری با شمردن دو نظریه متفاوت درباره رابطه شهروند و حکومت (رابطه مالک و مملوک و یا ذی حق و ملکف) بر این اعتقاد است که از نظر اسلام امام و حکمران، پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست. (مطهری، ۱۳۶۱:۸۹)

در عرصه اخلاق سیاسی روایات متعددی درباره لزوم اهتمام شهروندان نسبت به امور جاری کشور و دولتمردان وجود دارد که به روایات «النصیحه للائمة المسلمین» اشتهار یافته است. از جمله این روایات، روایتی است که امیرالمومنین(ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه می فرماید: «حق من بر گردن شما عبارت است از: وفای به بیعت، نصیحت آشکار و نهان، اجابت کردن هنگام دعوت و اطاعت هنگامی که شما را امر می کنم». لازمه خیر خواهی و نصیحت این است که در موارد مشاهده اشتباه و خطا تذکر داده شود؛ و اگر کسی با عمد گناهی انجام می دهد به شیوه‌های مناسب جلوگیری گردد. بهترین دلیلی برای اینکه نصیحت رهبران جامعه و متصدیان امر به حمایت و دفاع از آنها خلاصه نمی شود و شامل: انتقاد، اعتراض، ارشاد، راهنمایی، ارائه نظرات مشورتی و نهی از منکر نیز می گردد. (قاضی زاده، ۱۳۸۵:۳۳۷)

یکی از راه‌های مؤثر اعتراض، احقاق حق و جلوگیری از تصمیمات ناصواب حکومت و رهبران جامعه، تشکیل اجتماعات و راهپیمای‌های مردمی است. در واقع شهروندان برای تبادل نظر، عنوان کردن مشکلات، و احیاً اعلام موضع یا دفاع از منافع مشترک، در زمان معین و برای مدتی کوتاه گرد هم می‌آیند و سپس متفرق می‌شوند. این حرکت جمعی ممکن است در مکان ثابت به صورت محفلی از هم اندیشان تشکیل شود که اجتماع^{۲۶} نامیده می‌شود و یا آنکه به صورت نمایشی به منظور جلب توجه حکومت و مردم راهی معابر عمومی شود که عنوان تظاهرات^{۲۷} به خود می‌گیرد. (هاشمی، ۱۳۹۱:۴۲۷)

درباره اجتماعات موقت مانند تشکل‌ها و راهپیمایی‌ها نیز در اصل ۲۷ قانون اساسی به دو شرط اشاره شده: یکی اینکه اسلحه حمل نکنند که طبعاً به نظم و امنیت عمومی مربوط می‌شود و دوم اینکه مخل به مبانی اسلام نباشند. تجربه ثابت کرده است، احزاب و نشریات صاحب اثر، به خاطر هزینه‌های مالی و سیاسی‌ای که به دنبال دارد، معمولاً به دست افراد و گروه‌های ذی‌نفوذ اداره می‌شوند، اما تشکیل اجتماعات اگرچه بی‌هزینه نیست؛ ولی، برای عامه مردم آسانترین راه برای احقاق حق محسوب می‌شود. (قاضی زاده، ۱۳۸۵:۱۴۷)

نتیجه‌گیری

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌های دینی، به تبیین روابط متقابل دولت و شهروندان بخصوص در حوزه آزادی‌ها پرداخته‌است. با استناد به منابع اصیل دینی، می‌توان اصول حقوق شهروندی در قانون اساسی را بیان داشت. نظریه که در سایه اثبات آن بایستی به نتایج ذکر شده رسید این است که حقوق شهروندی در هر جامعه‌ای نسبی می‌باشد و با دسته‌ای از نظام‌های حقوق شهروندی ملی روبرو می‌شویم. قانون اساسی نیز با توجه به ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران، دین، مذهب، فرهنگ و از همه مهم‌تر با توجه به نوع حاکمیت که همانا مردم سالاری دینی می‌باشد، به تبیین حقوق شهروندی در اصول مختلف و به صورت خاص در فصل حقوق ملت، پرداخته‌است. آزادی انسان در منطق اسلام همواره با مسئولیت او در برابر خدا همراه است و حد و مرز آزادی نیز بر همین مبنا مشخص می‌شود. با توجه به اینکه اسلام سعادت انسان را در کل جامعه‌ی بشری آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد، حکومت باید شرایطی را به وجود آورد تا در آن حقوق همه جانبه انسان تأمین شود. نشان داده شد که همانطور که در هر جامعه‌ای که پیش فرض حقوق بشری آن، دمکراتیک بودن آن است، حق‌های بشری نمی‌تواند مطلق باشد و لزوماً ضروریست طبق قرارداد اجتماعی و لازمه‌ی زیست جمعی و ملزومات نظم عمومی و رفاه عمومی و بهداشت عامه و اخلاق حسنه یعنی مکانیسم ماده ۲۹ اعلامیه، تقیید و یا توسعه یابد. در جامعه ایران این توسعه و تضییق که در اصطلاح اصول فقهی‌اش حکومت نامیده می‌شود، بایستی بر طبق ادله شرعیه که همانا کتاب و روایات و عقل و اجماع کاشف هست، موجه باشد. در این مقال این سنجش بعمل آمد و نشان داده شد که قانون‌گذار اساسی ایران، تسبیت حق‌ها را مطابق ضوابط اسلامی مراعات نموده‌است.

یادداشت‌ها

1. Human being

2. Absolutisme des droits de l'homme

۳. ماده‌ی ۲۹ مقرری دارد: ۱. هرکس در مقابل آن جامعه‌ای وظیفه دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر سازد. ۲. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هاییست که بوسیله قانون منحصرأ بمنظور تأمین شناسائی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. ۳. این حقوق و آزادیها در هیچ موردی نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد. تفکیک حقوق بشر و حقوق شهروندی در اعلامیه ۱۷۸۹ فرانسه نیز واضح است.

4. Relativisme des droits du citoyen

5. nation

6. people

۷. اصول لفظیه عبارت است از اصولی که هنگام شک در مراد گوینده و برای اثبات مراد متکلم از لفظ بکار می‌روند. این اصول، در اصول فقه و در بخش الفاظ بحث شده است. لازم به ذکر است که این اصول همچون اصل حقیقت، اصل عموم (اصل عدم تخصیص)، اصل اطلاق (اصل عدم تقیید)، اصل عدم نقل، اصل عدم اشتراک، اصل ظهور و اصل عدم قرینه می‌تواند در مورد واکاوی و استنباط از هر متنی و در سایر علوم مورد استفاده قرار گیرد.

8. Droits des gens

9. Citoyenneté\ Citizenship

10. Relationship between an individual and a state in which an individual owes allegiance to that state and in turn is entitled to its protection. Citizenship implies the status of freedom with accompanying responsibilities. Citizens have certain rights, duties, and responsibilities that are denied or only partially extended to aliens and other noncitizens residing in a country.

11. la division du travail social

۲۱. وَمَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا لِلْمُؤْمِنَةِ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا (احزاب/۳۶)

13. First Generation of Human Rights

14. Second Generation Of Human Rights

۵۱. بند دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر: هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی

های خود فقط تابع محدودیت هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.

۶۱. وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده/۲۲۹)

۷۱. وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده/۲۵)

۸۱. وَ لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا

۹۱. النَّاسُ كُلُّهُمْ أَحْرَارٌ إِلَّا مَنْ أَقْرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْعِبُودِيَّةِ

۱۰۲. لَا تَقْبَلْنَ فِي اسْتِعْمَالِ عَمَالِكِ وَ امْرَأَتِكَ شَفَاعَةَ الْكُفَّائَةِ وَ الْإِمَانَةَ

۱۲. فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمُ أُولُوا الْأَلْبَابِ.

۲۲. نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه منخل به مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشند، تفصیل آن را قانون معین می کند.

۳۲. وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران/۱۰۴)

۴۲. وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اختلفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (آل عمران/۱۰۵)

۵۲. کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ

26. Reunion.

27. Manifestation.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- قانون مطبوعات
- قانون مجازات اسلامی
- برلین، آیزایا (۱۳۶۸)، *چهار مقاله در باره آزادی*، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی.
- پیلو روبر (۱۳۷۰)، *شهروند و دولت*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول.
- جاوید، محمد جواد (۱۳۸۸)، *نظریه نسبیت در حقوق شهروندی: تحلیلی مبینی بر اطلاق در حقوق طبیعی*، تهران: نشر گرایش، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- جواد آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، *فلسفه حقوق بشر*، تهران: مرکز نشر اسراء.
- حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
- رضوانی، صادق (۱۳۸۹)، *بررسی تحلیلی و تطبیقی جرائم قذف افتراء و توهین*، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول.
- ریاست جمهوری، معاونت پژوهش تدوین و تنقیح قوانین (۱۳۸۱)، *مجموعه اساسی*، تهران: اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ اول.
- شریعتی، سعید (۱۳۸۴)، *حقوق ملت و دولت در قانون اساسی*، تهران: کانون اندیشه

جوان، چاپ اول.

- شهید ثانی (۱۳۹۱)، **شرح لمعه**، ترجمه علی شیروانی، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ دهم، ج ۶.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۰)، **قواعد عمومی قراردادها**، تهران: نشر میزان، چاپ دوازدهم.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، **آزادی‌های عمومی و حقوق بشر**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، علامه سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، **تفسیرالمیزان**، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ج ۱۳.
- ظهیری، عباس (۱۳۷۹)، «حدود آزادی از نگاه کلام و فقه و عرفان»، **نشریه حکومت اسلامی**، شماره ۱۷.
- عمید زنجانی، عباسعلی (بی‌تا)، **مبانی فقهی کلیات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، **حقوق بشر در جهان معاصر**، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ج ۱.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۸۵)، **مردم سالاری دینی لوازم و پیامدها**، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ اول، ج ۳.
- قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۸۲)، **آزادی در فقه و حدود آن**، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، **الکافی**، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ چهارم.
- گای ماری (۱۳۸۸)، **شهروند در تاریخ اندیشه غرب**، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر پژوهش فروزان فر، چاپ اول.
- مهرپور، حسین (۱۳۸۷)، **مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: دادگستر، چاپ اول.
- محسنی، فرید- نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۸۸)، **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ هشتم.
- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۳)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: نشر همراه، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱)، **سیری در نهج البلاغه**، قم: انتشارات اسلامی.

- مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *مجموع آثار*، تهران: انتشارات صدرا، ج ۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۶)، *نظریه حقوقی اسلام*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- مظفر، محمد رضا (۱۳۷۵)، *اصول الفقه*، قم: انتشارات اسماعیلیان، ج ۲.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸)، *پیام امیر المومنین - شرح نهج البلاغه*، انتشارات مدرسه امیرالمومنین، ج ۵.
- منتظری، حسینعلی (۱۳۸۷)، *حکومت دینی و حقوق انسان*، انتشارات هاشمیون، چاپ دوم.
- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.
- citizenship.(2011). Retrieved Oct 05, 2011, from Encyclopedia Britannica,Encyclopedia Britannica Online: <http://www.britannica.com/EB-checked/topic/118828/citizenship>
- Déclaration des droits de l’homme et du citoyen1789
- Déclaration universelle des droits de l’homme1948
- Harris D.J, *Case and Materials on International Law*, Sixth Edition London Sweet and Maxwell,2004